

جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری

دکتر جمال بیگی*

حمید آشنا**

چکیده

اگر جرائم مرتبط با نهاد خانواده شناخته نشود و مقنن حمایت بایسته‌ای از آن ننماید، ممکن است در درون خانواده و در روابط زوجین هم نمود پیدا کند که تاثیر مخرب آن بر همگان مبرهن هست. لذا هدف این مقاله، ضرورت سنجی جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی به‌منظور پیشگیری و کاهش این گونه از خشونت‌های جنسی و پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که مؤلفه‌های حقوق بشری جرم‌انگاری این نوع خشونت خانگی در حقوق ایران کدامند؟ تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. یافته‌های پژوهش حاضر مبین این است که از قانون‌نامه حمورابی تا قوانین امروزی، قانون‌گذاران مجازات‌های سنگینی را برای خشونت جنسی در نظر گرفته‌اند، لیکن مقنن ایرانی علی‌رغم ممنوعیت کلی خشونت و حرمت آن در حقوق اسلام، در امر پیشگیری از وقوع این خشونت‌ها به‌طور خاص اقدامی ننموده است. پیشگیری از خشونت‌های جنسی مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار و همکاری نهادها و سازمان‌های گوناگون است و این امر نشان‌دهنده نوعی همکاری ضعیف بین نهادهای دخیل در امر شناسایی و پیشگیری از این نوع خشونت‌ها است.

کلیدواژگان

خشونت جنسی، روابط زناشویی، قوانین موضوعه ایران، اسناد بین‌المللی حقوق بشری.

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایمیل:

jamal.beigi@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی / ایمیل:

hamid_ashena_law@yahoo.com

مقدمه

یکی از غرایز مهم و بسیار قوی در نهاد آدمی، غریزه جنسی است که ضامن بقای نسل بشر است. در تعامل با غریزه جنسی، سه رویکرد قابل توجه است: اول، رویکرد پلیدانگاری (تفریط گرایانه) که غریزه جنسی را جز شر و رابطه جنسی را جز چیزی کثیف و ناپاک نمی‌پندارد. این رویکرد به‌وسیله مسیحیت منحرف از بودا، فرقه‌های منحرف از یهود و برخی از فرقه‌های رایج در روم، شریعت عیسی، یونان و ایران قدیم ترویج می‌شد (لاکوستا، ۱۳۸۳: ۲۵). دوم، رویکرد آزادانگاری (افراط‌گرایانه) غریزه جنسی که طرفدار نظریه اخلاق جنسی نوین غرب است و مرز و محدودیتی برای روابط جنسی جز اخلال به آزادی دیگران نمی‌شناسد و از آزادی اشباع و اقناع غریزه جنسی حمایت می‌کند که برتراند راسل از بنیان‌گذاران آن است (دلاکوستا، ۱۳۸۳: ۱۵۴). سوم، رویکرد مفید و مقیدانگاری (اعتدال‌گرایانه) که ضمن پاسخ‌گویی به نیاز جنسی، برای برآوردن و تعدیل آن مقرراتی را وضع کرده که رویکرد اسلام به غریزه جنسی است (جورکویه، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۸۷). قربانی شدن در جرائم جنسی اعم از خشونت جنسی در خانه، مزاحمت جنسی در اجتماع، سوءاستفاده جنسی در محیط کار و ... رویداد تلخی است که بر زندگی زنان تأثیر می‌گذارد. درصدهای از این زنان، پس‌ازاین حادثه، به عوارض گوناگون مانند افسردگی، ترس، اعتیاد و اضطراب‌های بیهوده دچار می‌شوند و در مواقع شدیدتر درصدی نیز خودکشی می‌کنند (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۳۳). جرائم مبتنی بر جنسیت شامل آزارهای بدنی، روحی، جنسی (از قبیل تعرض فیزیکی، مزاحمت جنسی، تجاوز و آزار جنسی)، ضرب‌وجرح، تندخویی و تندگویی می‌شود. در همه کشورها پدیده خشونت جنسی علیه زنان و جرائم مبتنی بر جنسیت، آثار و عواقبی دارد که برحسب فرهنگ قومی و نژادی کشورها متفاوت است. به‌عبارت‌دیگر، در این پژوهش به این عنوان تازه تأسیس به‌مانند یک مثلث نگریسته می‌شود که عناوین دیگر را در زیرمجموعه خود دارد و خود در رأس مثلث قرار گرفته است.

بر طبق یکی از نظرات، «عمل خشونت‌آمیز نزدیکی به عنف با همسر، یکی از اشکال خشونت جنسی در خانواده است که ریشه در فرهنگ و عقاید غلط دارد. بین عامل فرهنگی اعتقاد شوهر به کلیشه‌های جنسیتی و گرایش شوهر به خشونت علیه همسر، همبستگی قوی وجود دارد» (لهسایی زاده و مدنی، ۱۳۸۹: ۲۱). بر اساس همین نظر، «چرا که برخی مردان تصور می‌کنند که زن جزء اموال آن‌ها بوده و انعقاد پیمان زناشویی بدین معناست که هر زمان شوهر از زن بخواهد، باید بر عمل جنسی تن دهد و رضایت زن هیچ‌گاه برای انجام این عمل لازم نیست» (امیرخانی، ۱۳۷۹: ۳۵). بدین‌سان، نگرش‌های زناشویی نارسا نقش قابل توجهی در شکل‌گیری و تداوم خشونت زناشویی ایفا می‌کند (محمدخانی؛ آزادمهر و متقی، ۱۳۸۹: ۱۹۵). لذا یا کاهش مردسالاری در

¹. Bertrand Arthur William Russell

خانواده‌ها از خشونت جنسی نسبت به زنان هم کاسته می‌شود و خانه به محیط امن و کانون گرمی برای همسر و فرزندان تبدیل می‌گردد (زارع شاه‌آبادی و ندر پور، ۱۳۹۵: ۶۱).

در گذشته جامعه بین‌المللی توجه لازم را نسبت به جرائم علیه زنان و به‌ویژه تبعیض جنسیتی و خشونت‌های علیه آنان مبذول نمی‌داشت. بخشی از این بی‌توجهی شاید ناشی از آن باشد که حقوق بشردوستانه بین‌المللی، معمولاً خشونت‌های جنسی را جرمی علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمی علیه وی دانسته و بنابراین برای آن اهمیتی کمتر از جرائمی چون شکنجه قائل می‌شده است. این برخورد در ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) و ماده ۲e پروتکل دوم پالرمو (۲۰۰۰) مشاهده می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۷۰). در این بین حتی برخی از موارد این پتانسیل را دارند که منجر به قانون‌گذاری‌های خاص شوند؛ هرچند تصویب‌کنندگان این دست قوانین نیز، اغلب با اتهام پوپولیست بودن مواجه هستند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۴ در ایالات متحده آمریکا قانونی تصویب شد به نام قانون مگان؛ مگان کانکا دختر بیچه‌ای هفت‌ساله بود که توسط یک مجرم جنسی در ایالت نیوجرسی مورد تجاوز قرار گرفت و به قتل رسید. مجرم برای این که از خود ردی برجای نگذارد، مگان را به قتل رسانده بود. قانون‌گذاران ایالات متحده آمریکا مدتی بعد از این اتفاق قانونی را تصویب کردند که به‌موجب آن اطلاعات محل سکونت مجرم سابقه‌دار جنسی در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گرفت تا خانواده‌هایی که در همسایگی این افراد زندگی می‌کردند محافظت بیش‌تری از فرزندان خود به عمل آورند. جرائم مبتنی بر جنسیت با وجود گستردگی و وسیع بودن دایره شمول آن در باب جرائم جنسی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت مطابق اسناد موجود بین‌المللی در مورد زنان و به‌خصوص در روابط زناشویی، متأسفانه هنوز به‌طور کامل در قوانین داخلی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است. به‌نحوی که برخی مواقع این ذهنیت به وجود می‌آید که قوانین ایران دید تبعیض‌آمیز به برخی از انسان‌ها دارد، کما این که با مراجعه به آموزه‌های قرآنی و فقهی و با مذاقه در معانی احکام اسلامی که ریشه قوانین داخلی ایران را تشکیل می‌دهد، می‌توان دریافت که نگرش درستی در این باب حاکم نیست. زیرا تفسیر نادرست از احکام اسلامی و عدم انطباق درست آن با وضعیت فعلی جامعه ایرانی، در مرحله تدوین قوانین موجب بروز این ذهنیت غلط شده است. مؤلفه‌های جرم‌انگاری این نوع از خشونت‌ها می‌تواند بر اساس نوع جوامع و فرهنگ و سنن آن متفاوت باشد. لذا شدت تأثیرپذیری جوامع و نوع برخورد با خشونت جنسی در روابط زناشویی پارامترهای گوناگونی خواهد داشت. در حقوق ایران که قوانین حول محور اثر احکام اسلامی تصویب می‌شوند، نوع نگاه مقنن به قلمرو خشونت جنسی محدود به آموزه‌های اسلامی بوده و در پذیرش مؤلفه‌های حقوق بشری ناظر بر جرم‌انگاری این گونه از خشونت خانگی مقاومت می‌کند. این نگاه با توجه به اهمیت نهاد

¹. Megans law (www.meganslaw.ca.gov)

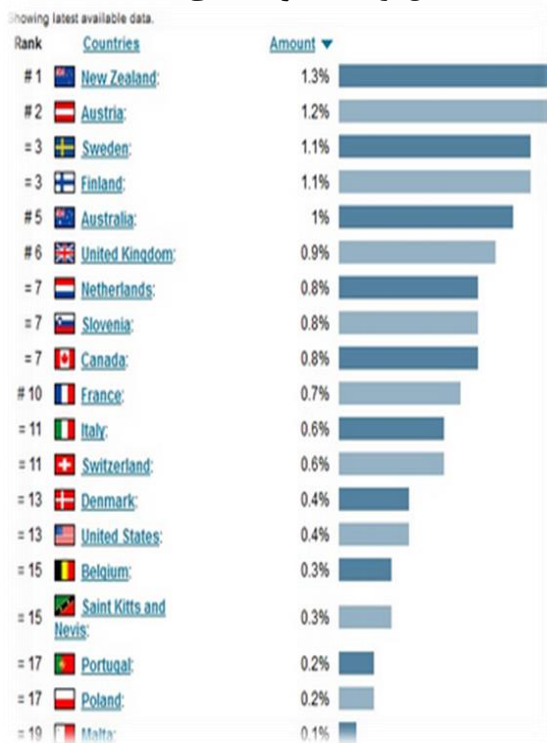
خانواده در ایران که متأثر از پیشینه دینی و تاریخی و با تکیه بر احکام ناب اسلامی به دست آمده است و هم‌چنین بالا رفتن میزان اطلاعات زوجین درباره تکالیف، وظایف و نوع رفتار و احترام متقابل در روابط زناشویی نسبت به یکدیگر، متأسفانه شاهد افزایش آگاهی جامعه در مورد برخی از مسائل و مشکلات موجود در روابط زوجین از جمله خشونت‌های رفتاری، اخلاقی و جنسی هستیم که خود موجب شروع تحقیقاتی در این زمینه از طرف پژوهش‌گران حوزه‌های مختلف که به نحوی دخیل در امور خانواده و رفتارهای زناشویی هستند، شده است. در این میان، متخصصان از دسته‌بندی علل عمده خشونت منصرف نشده‌اند. در کل اعتقاد بر آن است که همگرایی مسائل زیستی، روانی و اجتماعی موجب شکل‌گیری ارکان خشونت می‌شود. در این که آیا این سه رکن را می‌توان بدون تغییر یا اضافه با خشونت علیه زنان انطباق داد، تردیدهایی نیز وجود دارد (Staff, 1996: 49-51). عوامل منجر به خشونت علیه زنان به دودسته کلی تقسیم می‌شوند: عوامل مرتبط با تبهکاران و عوامل مربوط به قربانیان. تعامل و ارتباط بالقوه مؤلفه‌های فوق موجب بروز مشکلاتی در زمینه ارائه معیارهای انطباق خشونت علیه زنان می‌شود. زیرا امکان دارد شخصی که سابقه چندانی در کج‌روی ندارد، در موقعیتی منحصر به فرد و کاملاً تصادفی، مرتکب خشونت شود. باین حال، این دسته از جرائم به دلیل نادر بودن و این که مجرم خود را معرفی یا از کردار خود پشیمان می‌شوند، چندان مورد توجه نیستند. آنچه مورد نظر است، جرائم جسمی و جنسی علیه زنان از سوی مردان هست (راسل، ۱۳۴۷: ۱۴۲). به هر حال بین شیوه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، سرمایه‌ها و منابع در دسترس زنان و شکل روابط در خانواده با خشونت علیه زنان رابطه معناداری وجود دارد (اعظم زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

هرچند بررسی دقیق ابعاد خشونت جنسی در روابط زناشویی بسیار دشوار بوده و نمی‌توان مطالعه دقیقی درباره آن صورت داد. تا جایی که می‌توان گفت حدود ۷۰ درصد زنان در طول زندگی، درگیر نوعی از خشونت از طرف شریک زندگی خود می‌شوند. در گزارش بخش زنان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ آمده است، احتمال بروز افسردگی و سقط جنین در زنانی که تحت سوءاستفاده جنسی از طرف شریک زندگی خود قرار می‌گیرند، دو برابر دیگران بوده و هم‌چنین احتمال ابتلا به ایدز در این زنان یک‌ونیم برابر بقیه است. حداقل ۱۲۰ میلیون زن و دختر در جهان، یک‌بار در زندگی خود مورد تجاوز جنسی یا اعمال جنسی همراه با اجبار و زور قرار گرفته‌اند که متأسفانه اکثر این تجاوزات توسط همسر یا شریک جنسی قبلی صورت گرفته است.^۱ بر اساس گزارش وزارت کشور فرانسه در سال ۲۰۱۷، ۹۸ هزار و ۵۰۰ زن، از خشونت خانگی جان سالم به در برده‌اند؛ این زنان اکثراً قربانی ضرب و شتم بوده و ۲ درصد از آن‌ها مورد

^۱. www.bartarinha.ir

تجاوز شریک زندگی فعلی یا سابق خود قرار گرفته‌اند؛ ۱۱ درصد دیگر هم در همین طبقه‌بندی به قتل تهدید شده‌اند. در طی سال‌های اخیر میزان سوءاستفاده و آزارهای جنسی علیه زنان در اروپا و آمریکا به حدی افزایش یافته که موجب شکسته شدن زندان سکوت زنان شده است. بیش‌ترین میزان وقوع آزار و اذیت‌های جنسی علیه زنان مربوط به آلمان، اسپانیا و فرانسه بوده است. ۶۸ درصد زنان آلمانی، ۶۶ درصد اسپانیایی‌ها و ۳۰ درصد زنان فرانسوی در محل کار خود مورد سوءاستفاده و آزار جنسی قرار گرفته‌اند. به‌علاوه در طول ۱۲ ماه گذشته، ۲۱ درصد زنان اروپایی، انواع خشونت و آزارهای جنسی را در اماکن عمومی تجربه کرده‌اند. ۹ درصد زنان قربانی نیز به دلیل تجربه این نوع خشونت مجبور به تغییر یا ترک شغل خود شده‌اند (https://www.farsnews.com). با این وجود در مستندات تصویری و نموداری ذیل، به شمای جغرافیایی خشونت جنسی در سطح بین‌الملل به‌منظور تبیین ضرورت انجام تحقیق در این حوزه پرداخته شده است:

شاخص قربانیان خشونت جنسی در جهان



<http://bahejab.com/12103>

حوزه حقوق خانواده به جهت حاکمیت آموزه‌های فقهی، پذیرش مؤلفه‌های حقوق بشری زنان تحت سیطره رویکردهای تبعیض‌آمیز قرار گرفته است. از این رو، این مقاله به دنبال اثبات فرضیه لزوم جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی به‌منظور پیشگیری و مقابله با این نوع خشونت‌های خانگی در سیاست جنایی ایران است.

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و به روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. در تنظیم پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون بوده است. در این تحقیق هم‌چنین به کلیه مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری مرتبط با خشونت جنسی پرداخته شده است. از سوی دیگر، پس از اشاره به خاستگاه و تحولات مفهومی خشونت جنسی، علت شناسی آن در جوامع اسلامی و غیر اسلامی و ضرورت سنجی جرم‌انگاری آن در حقوق ایران، تدابیر پیشگیرانه ناظر بر خشونت جنسی در روابط زناشویی تدوین شده است. البته قابل ذکر است که در این تحقیق از مصاحبه‌هایی که توسط سایر مراکز انجام گرفته است، مطالبی جمع‌آوری و در تحقیق گنجانده شده است.

۱- پیشینه تحقیق

مطالعاتی که در خصوص خشونت جنسی در روابط زناشویی به رشته تحریر درآمده است، عمدتاً به بحث‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خشونت جنسی و از منظر حقوقی نیز در حوزه حقوق کیفری بین‌الملل به مثابه یکی از جلوه‌های جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به آن پرداخته‌اند که در جدول ذیل نتایج تحقیقات انجام یافته تبیین شده است:

نتایج مطالعات انجام یافته

نام نویسنده	عنوان	سال	نتایج و پیشنهادها
قدسی قدمی عزیز آباد	تأملی نوین پیرامون حق مقابله با خشونت جنسی علیه زنان (بر مبنای نظام حقوقی - قضایی ایران)	۱۳۹۸	پیشگیری از خشونت جنسی مرد علیه همسرش و سازوکارهای قانونی آن در سیاست جنایی ایران ضعیف است
میر کمالی	مبانی فقهی حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی	۱۳۹۶	تجاوز زناشویی مخالف ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی بوده و موجب اذیت و آزار و اذیت زوجه می‌شود
قاضی زاده زهرا، کار کیامنش محسن زاده	مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز خشونت زناشویی مردان علیه زنان از دیدگاه مردان	۱۳۹۶	خشونت خانگی مردان علیه زنان، دارای ابعاد اصلی فردی، زوجی، خانوادگی و فرا خانوادگی است

خشونت جنسی تحت عناوین جنایت‌های علیه بشریت و جنایت‌های جنگی در اساسنامه رم جرم‌انگاری شده است	۱۳۸۸	جرم‌انگاری خشونت جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی	اخگری بناب
خشونت جنسی در عهدنامه‌های بین‌المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه و آراء دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، طی فرآیندی به‌عنوان جنایت بین‌المللی قلمداد شده است	۱۳۸۷	جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری	روناک خاک
پیشگیری از خشونت جنسی زنان، نیازمند فرهنگ‌سازی و درک صحیح تفاوت بز ه دیدگی و بز ه پذیری است	۱۳۸۵	جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان	مصطفی‌السان

۲- مبانی نظری تحقیق

قبل از پرداختن به ضرورت جرم‌انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی در ایران، آشنایی اجمالی با مفاهیم ضروری اجتناب‌ناپذیر هست.

جرم‌انگاری: جرم‌انگاری قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون مجازات می‌شود. هر قدر دامنه این قوانین، تحت فشار افکار عمومی، گسترده‌تر می‌شود، مجرمان بیش‌تری به وجود می‌آیند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۹۰).

خشونت جنسی: خشونت جنسی شامل آزارهای بدنی، روحی، جنسی (از قبیل تعرض فیزیکی، مزاحمت جنسی، تجاوز و آزار جنسی، خشونت‌های زناشویی و خشونت‌های جنسی)، ضرب و جرح، تندخویی و تندگویی می‌شود. در همه کشورها پدیده خشونت جنسی علیه زنان و جرائم مبتنی بر جنسیت، آثار و عواقبی دارد که بر حسب فرهنگ قومی و نژادی کشورها متفاوت است. کما این‌که در ایران به موجب اصل ۲۱ قانون اساسی برخی اقدامات حمایتی در این باب پیش‌بینی شده است.

رابطه زناشویی: رابطه در لغت یعنی پیوند، بستگی و زناشویی هم به معنی ازدواج، برقراری رابطه زن و شوهری (معین، ۱۳۹۸: ۶۰۳-۵۵۷). در اصطلاح برقراری پیوندی است در بین زن و مرد که با عقد ازدواج بسته می‌شود. این پیوند که به صورت متقابل برخی وظایف را برای زن و شوهر به وجود می‌آورد که در قبال هم مکلف به رعایت آن‌ها هستند. مانند حسن رفتار، مهربانی و گذشت و ...

۱-۲- خاستگاه و تحولات مفهومی جرائم مبتنی بر جنسیت

سابقه قانون‌گذاری و جرم‌انگاشتن جرائم مبتنی بر جنسیت به دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد. برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ قانون ممنوعیت تجاوز زناشویی در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا به تصویب رسید. تا پیش‌ازین دوره طبق آموزه‌های دین مسیحیت شوهر به خاطر وادار کردن همسر قانونی خود به برقراری رابطه جنسی مقصر شناخته نمی‌شد. زیرا فرض بر آن بود که زن و مرد با عقد ازدواج بر مقاربت جنسی توافق کرده‌اند. تا سال ۱۹۹۳ میلادی تمام ۵ ایالت آمریکا تجاوز زناشویی را جرم دانستند. در ۲۰ دسامبر همان سال اعلامیه منع خشونت علیه زنان به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. بدین ترتیب برای اولین باریکی از مصادیق جرائم مبتنی بر جنسیت در یک سند بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. کشورهای مختلف از جمله ایران در امضای این سند حضور داشتند. در هفدهم دسامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل، ۲۵ نوامبر را به‌عنوان روز بین‌المللی از بین بردن خشونت علیه زنان نام‌گذاری کرد و از دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی خواست هر ساله در این روز اقدام‌هایی برای آگاهی عمومی از این مسئله انجام دهند. متعاقباً در سال ۲۰۰۶ دبیر کل سازمان ملل از پیگرد قانونی تجاوز زناشویی در ۱۰۴ کشور خبر داد. کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل در نظریه تفسیری عمومی خود به شماره ۱۹ در جلسه یازدهم سال ۱۹۹۲ اشعار می‌دارد: خشونت مبتنی بر جنسیت نوعی تبعیض است که به‌طور جدی مانع بر خورداری زنان از حقوق و آزادی‌های مبتنی بر تساوی جنسیتی است.

ماده ۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مقرر می‌دارد: تبعیض علیه زنان به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آن‌ها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق بر پایه مساوات با مردان صرف‌نظر از وضعیت تا هل آن‌ها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۳۵). پیش از تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در طی جلسات کمیسیون مقدماتی برای تأسیسی این دیوان از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ مباحث فراوانی در خصوص موضوعات جنسی مطرح گردید (ارسنجان، ۱۳۷۸: ۳۰۳). در ابتدا مشکلات زیادی در ارتباط با جلب توافق کشورها در خصوص تعقیب و آزار بر مبنای جنسیت وجود داشت. کما این‌که در تعریف و استفاده کلمه جنسیت و کاربرد مفهوم بیولوژیک آن در میان کشورها و هیات‌های نمایندگی اختلاف نظر وجود داشت. موضوع اجتناب از تعریف به سایر بخش‌های اساسنامه نیز تسری پیدا کرد. در نهایت همه توافق کردند که تعریفی برای واژه جنسیت در بند ۳ ماده ۷ تعیین شود که بتواند در کل اساسنامه مورد استفاده قرار گیرد. بند سوم از ماده ۷ اولین جمله‌ای است که کلمه جنسیت در آن آمده است. جنسیت در اساسنامه دیوان از منظر عرفی به دو جنس زن و مرد اطلاق می‌شود. این تعریف

زمینه‌ای برای شمول مقررات غیر تبعیض‌آمیز از جمله جنسیت را فراهم آورده است. به علاوه جنسیت در جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت که می‌تواند مبتنی بر جنسیت نیز باشد و بردگی که ممکن است شامل قاچاق افراد به خصوص زنان و کودکان باشد تجلی پیدا می‌کند. اگرچه برخی مخالفت‌ها نسبت به جنایت حاملگی اجباری وجود داشت، نه تنها هیچ مخالفتی در خصوص تحت قرار گرفتن آن در جنایت خشونت جنسی و جنسیتی در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی وجود نداشت (خاک، ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۰۱). بلکه حمایت از زنان قربانی تعرضات جنسی و شیوه‌های جبران خسارت معنوی وارده بر آن‌ها هم در این اساسنامه مدنظر قرار گرفت (بیگی و کتانچی، ۱۳۹۷: ۲۱). خشونت علیه زنان در خانواده هم مسئله‌ای جهانی شده و بازتاب جامعه بین‌المللی را همراه داشته است (میرکمالی، ۱۳۹۶: ۳۹۱). ماده ۱ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، برای اولین بار خشونت علیه زنان را به این شکل تعریف می‌کند: «هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که سبب بروز یا سبب احتمال بروز آسیب‌های جسمانی، جنسی یا روانی یا رنج و آزار زنان، از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت‌های اجباری یا اختیاری از آزادی در زندگی عمومی و خصوصی می‌گردد». برابر ماده ۲ این اعلامیه هم خشونت علیه زنان در بعد اجتماعی، به انواع خشونت جسمانی، روانی و جنسی که در جامعه نسبت به زن اعمال می‌شود، تقسیم شده است. از دیگر مقررات بین‌المللی که به نحوی در این زمینه ورود پیدا کرده‌اند، می‌توان فهرست‌وار به اسناد ذیل اشاره کرد:

- ۱- ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹.
 - ۲- پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو در مورد جرائم سازمان یافته در سال ۲۰۰۰.
 - ۳- برنامه جهانی دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل در سال ۱۹۹۹.
 - ۴- اعلامیه و دستورالعمل وین صادره از سوی کنوانسیون جهانی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳.
 - ۵- اعلامیه و دستورالعمل پکن صادره از سوی چهارمین کنفرانس سازمان ملل متحد در سپتامبر ۱۹۹۵.
 - ۶- کنوانسیون الغای بردگی، تجارت برده، نهادها و رویه‌های مشابه ۱۹۵۶.
- در دین مبین اسلام نیز در مورد جرائم مبتنی بر جنسیت تدابیر سه‌گانه‌ای اندیشیده شده است. در گام نخست تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روان‌شناختی انسان، بالا بردن آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی برخی غرایز جنسی. در گام بعدی سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس‌العمل تدافعی برای افراد در معرض خطر. گام سوم به‌عنوان آخرین راه با وضع تدابیر مناسب در مورد انواع جرائم مبتنی بر جنسیت و اوضاع و احوال مرتکب جرم در صدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است (جورکویه، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶). به‌طور مثال در دین اسلام با قبول قاعده لاضرر در جهت

جلوگیری از ورود ضرر از طرف شخص به افراد جامعه، مطالب زیادی گفته شده است که می‌توان در تبیین ضرورت بحث پژوهش حاضر نیز کمک کند. شایان ذکر است که قاعده لاضرر مستنبط از حدیثی است که در یک دعوی معروف، پیامبر اکرم (ص)، برای فصل خصومت، به کار برده است (حاجی ده آبادی و یوسفی، ۱۳۸۹: ۵۷). در تفسیر این قاعده نظریه‌های مختلفی از سوی فقها ارائه شده است. در ابتدا آنچه اهمیت دارد معنا و مفهوم ضرر در متن حدیث است، آن‌چنان‌که شیخ انصاری در این باره می‌نویسد: مهم روشن کردن معنی ضرر است، مفهوم ضرر در عرف روشن است (انصاری، ج ۳، ۱۴۱۰: ۳۲۸). در نهایت ابن اثیر معتقد است که مفهوم فرمایش پیامبر اسلام این است که انسان نباید به دیگری ضرر بزند و نقصانی در حق او ایجاد کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۸۱). امام خمینی (ره) پس از نقل قول‌های گوناگون، با استمداد از آیات قرآنی می‌نویسد: ضرر و ضرار بیش‌تر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان، به کار برده شده است و ضرار بر گرفته از آن، به معنای در تنگنا قرار دادن و رساندن ناراحتی و زیان‌های معنوی به دیگران است (موسوی خمینی، ج ۱، ۱۳۶۵: ۳۲). از منظر مبانی قرآنی جرائم مبتنی بر جنسیت و تحریم این جرائم در حوزه روابط زناشویی، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

تقیح کشتن و زنده‌به‌گور کردن دختران: *وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ / يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ*. بر پایه آیه های ۵۸ و ۵۹ سوره نحل، اسلام زن را نه هم چون دوران جاهلیت موجودی زشت و بی‌ارزش می‌داند، بلکه گام‌های مؤثری برای رفع تبعیض و بالا بردن مقام زن برداشته است و به دلیل کنترل احساسات عاطفی و توانایی و مقاومت در برابر مشکلات و صبر بر سختی‌ها مرد را مسئول امور زن قرار داده تا از زن دفاع کند و از دسترنج خود بر او انفاق و خرج نماید (بن جمیل، ۱۳۸۲: ۳۱ / مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۵۷۶).

محدود کردن طلاق قابل رجوع به دو طلاق: *الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ*. بر مبنای آیه ۲۲۹ سوره بقره، چون طلاق ضربه‌های جبران‌ناپذیری به فرد و اجتماع وارد می‌سازد، اسلام آن را مبعوض اعلام کرده و از عوامل گوناگون برای جلوگیری از آن استفاده شده است. در این میان محدود کردن طلاق قابل رجوع به دو طلاق هم یکی از عوامل مهم بازدارنده است (حرعاملی، ج ۲۰، ۱۴۰۹: ۲۰۷).

تکلیف به دادن مهریه زنان: *وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً فَإِن طَبِنَ لَكُم مِّن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا*. در آیه ۴ سوره نساء به تأدیه مهر زنان به‌طور کامل به‌عنوان یک عطیه الهی تأکید شده است. چراکه صداق و مهر، ملک زنان است و شوهر نمی‌تواند از دادن آن امتناع نماید و البته هیچ‌کس دیگر غیر از زن نمی‌تواند آن را از شوهر بگیرد، اگرچه پدر او باشد (قبله‌ای خوبی،

۱۳۸۶: ۶۰).

حسن معاشرت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَوُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. آیه ۱۹ سوره نساء درباره کسانی نازل گردیده که همسران خود را بدون این که هم چون یک همسر با آنها رفتار کنند، نگه می‌داشتند، به انتظار این که آنها بمیرند و اموالشان را تملک کنند (رضازاده، ۱۳۹۳: ۳۸۵). این در حالی است که در روایات اسلامی آمده است اگر زنی همسرش را اذیت کند خداوند نمازهای او را قبول نمی‌کند و هیچ حسنه‌ای را از او نمی‌پذیرد، مگر شوهرش را راضی و خشنود گرداند. هرچند یک‌عمر روزها روزه باشد و شب‌ها به نماز بایستد و برده‌ها آزاد کند و اموال خود را در راه خدا انفاق نماید و او اولین کسی است که وارد آتش می‌شود. سپس رسول خدا (ص) فرمود: «وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَالْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا...». یعنی مرد نیز اگر همسر خود را بیازارد همین وزر و عذاب گریبان گیر او نیز خواهد شد (حر عاملی، ج ۲۰، ۱۴۰۹: ۱۶۳).

تقیح ایلاء: سوره بقره: لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَأَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ/ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. در دوران جاهلیت زن هیچ‌گونه ارزش و مقامی در جامعه عرب نداشت و به همین جهت برای جدایی از او و یا تحت فشار قرار دادن زن، طرق زشتی وجود داشت که یکی از آنها برابر آیه ۲۲۶ سوره بقره «ایلاء» بود. هرگاه مرد نه به زندگی سالم زناشویی بازگردد و نه او را با طلاق رها سازد، در اینجا به حکم آیه ۲۲۷ سوره بقره حاکم شرع دخالت می‌کند و مرد را به زندان می‌اندازد و بر او سخت می‌گیرد که بعد از گذشتن چهار ماه مجبور شود یکی از دو راه را انتخاب کند و زن را از حال بلاتکلیفی درآورد (موسوی خمینی، ج ۱، ۱۳۶۵: ۳۵۶/ محقق حلی، ج ۳، ۱۳۷۴: ۶۳).

کفاره ظهار: الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ/ وَالَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ/ فَمَنْ كَفَرَ فَمَنْ يَجِدُ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ كَفَرَ فَمَنْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ. یکی دیگر از عادت‌های زشت دوران جاهلیت موضوع ظهار بود. به حکم آیه‌های ۲ الی ۴ سوره مجادله، کفاره ظهار آزادی برده‌ای است و اگر ممکن نباشد دو ماه پشت سر هم روزه گرفتن واجب می‌شود و لکن به اعتقاد برخی از فقها، اگر یک ماه

۱. به این ترتیب که هر زمان مردی از همسر خود متنفر می‌شد، سوگند یاد می‌کرد که با او هم‌بستر نگردد و با این راه غیرانسانی همسر خود را در تنگنای شدیدی قرار می‌داد، نه او را رسماً طلاق می‌داد و نه بعد از این سوگندها حاضر می‌شد آشتی کند و زندگی مطلوبی داشته باشد.

و یک روز از ماه دوم را روزه بگیرد تتابع صدق می‌کند و می‌تواند بقیه را متفرقا نیز انجام دهد ولی تا دو ماه تمام نشده، حق رجوع و نزدیکی با مظاهره را ندارد و کسی که توانایی روزه گرفتن را نداشته باشد باید قبل از نزدیکی با همسر شصت مسکین را طعام دهد (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۴: ۹۴).

۲-۲- مطالعه تطبیقی خشونت جنسی در جوامع اسلامی و غیراسلامی

در چهارمین کنفرانس حقوق بشر در وین به سال ۱۹۹۷، خشونت علیه زنان یکی از سوژه‌های دارای اولویت برای بررسی در کنفرانس تشخیص داده شد و این نکته مهم مورد تأیید قرار گرفت که خشونت، جسم، روان و آزادی زنان را تهدید می‌کند. زیرا مردان در اعمال خشونت نقش اصلی را برعهده دارند. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس تأکید کردند که قضات، دفاتر پلیس، دفاتر وکالت، کانون‌های حمایت از خانواده، معلمان، پدران و به‌طور کلی حامیان حقوق زنان باید ریشه‌های فرهنگی همسر آزاری را بررسی کنند. هم‌چنین آن‌ها اعلام کردند که نگرش مردان نسبت به زنان را باید تغییر داد و زنان نیز باید به مردان یاری رسانند تا در برداشته‌های خود نسبت به جنس زن، تجدیدنظر کنند. پیش از طرح موضوع در این کنفرانس، کمیسیون حقوق بشر در پنجاهمین نشست خود تصمیم گرفت برای یک دوره سه‌ساله، رابط ویژه‌ای را برای بررسی اعمال خشونت بر زنان، علت و پیامدهای آن تعیین کند تا هر سال گزارشی در این خصوص به کمیسیون ارائه کند (کار، ۱۳۸۷: ۱۴).

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از یونیسف در سال ۱۹۹۰ خشونت جنسی حتی از دختران ده‌ساله هم در حال افزایش است، به‌نحوی که در کشورهای صنعتی، بنگاه‌های خاصی که حوزه عملشان گردشگری جنسی^۱ است از دختران به‌عنوان منبع «تجارت سکس»^۲ به‌صورت مختلف استفاده می‌کنند (بیگی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). گزارش سازمان ملل متحد ناظر بر وضعیت خشونت جنسی علیه زنان در جوامع غیر اسلامی مبین این است که ۸۵٪ دختران در آمریکا از موارد وقوع مزاحمت‌های جنسی در مدارس گله‌دارند. تحقیقی که در سال ۱۹۹۲ در آمریکا انجام پذیرفت نشان می‌دهد دوسوم از یک نمونه ۵۳۵ نفری زنان جوان در واشنگتن بر اثر سوءاستفاده جنسی آبدستن، ۵۵٪ مورد آزار جنسی و دست‌درازی، ۴۲٪ قربانی تجاوز به عنف نافرجام و ۴۴٪ قربانی تجاوز به عنف شده‌اند. به عبارتی هر ساله هفت صد هزار نفر از زنان آمریکایی مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گیرند. یعنی در هر ۸ ثانیه یک زن مورد اهانت قرار گرفته و در هر ۶ دقیقه یک زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد و تخمین زده شده است که ۶۱٪ از قربانیان تجاوزت جنسی زیر ۱۸ سال هستند. بدین ترتیب سالانه ۲ تا ۴ میلیون نفر از زنان در این کشور با خشونت مواجه می‌شوند و هر

^۱. Tourisme Sexuel.

^۲. Sexe.

زن در طول عمرش به احتمال ۲۰ تا ۳۰ درصد در معرض خشونت جنسی قرار می‌گیرد.^۱ پژوهشی که در مورد گروه منتخبی از زنان کانادا در سال ۱۹۹۳ انجام گرفت نشان داد که بیش از ۵۴٪ زنان قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی بدون خواسته قلبی و تمایل، مورد حمله قرار گرفته و ۵۱٪ مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. لذا در کانادا از هر چهار زن یک نفر انتظار دارد که در مرحله‌ای از زندگی خود مورد حملات جنسی قرار گیرد (آیت الهی، ۱۳۸۰: ۱۱۸). در انگلستان بیش از ده درصد از زنان انگلیسی توسط شوهران خود مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند و بر این اساس بیش از یک‌چهارم از زنان در طول زندگی مشترک خود مورد توهین و بدرفتاری از سوی مردان واقع می‌شوند. پژوهش انجام گرفته به وسیله پیتر (۱۹۹۱) در مورد زنان متأهل در انگلستان هم نشان داد که ۱۴ درصد زنان در طول دوره ازدواجشان یک‌زمانی از سوی شوهرانشان مورد تجاوز قرار گرفته بودند و این میزان تجاوز در مورد ۳ درصد آنان به ۶ بار یا بیش‌تر می‌رسید (مگوایر، ج ۳، ۱۳۹۳: ۱۲۴۰). در فرانسه ۹۵٪ قربانیان خشونت را، زنان تشکیل می‌دهند و ۵۱٪ آن‌ها قربانی خشونت توسط همسرانشان هستند. کما این‌که در آلمان نیز یک مرد در هر ۱۷ ثانیه، یک زن را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد.

در جوامع اسلامی نیز پدیده خشونت جنسی علیه زنان و جرائم مبتنی بر جنسیت، آثار و عواقبی دارد که برحسب فرهنگ قومی و نژادی کشورهای اسلامی متفاوت است. در قطر، مجازات تجاوز جنسی، اعدام است. می‌توان گفت که در قطر مشکل خشونت علیه زنان، دست‌کم به‌اندازه بسیاری از دیگر کشورهای عربی یا اسلامی، چندان جدی نیست. مشکل مهم به اعمال خشونت علیه زنان خارجی مربوط می‌شود که در کشور قطر به‌عنوان خدمتکار خانگی کار می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر جرائم مبتنی بر جنسیت، جرائمی هستند که علیه اشخاص و بر اساس تفاوت‌های ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی صورت می‌گیرد. افرادی که مرتکب این جرائم می‌شوند رفتارشان از نظر جامعه قابل قبول نیست و خلاف ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است. در مصر مجازات زنا به عنف از ۴ سال زندان تا حبس ابد با اعمال شاقه در نوسان است و حکومت متجاوزان را تعقیب می‌کند. البته این نکته را باید یادآوری کرد که تجاوز در روابط زناشویی، در کشور مصر غیرقانونی نیست. در کشور مالزی، گزارش‌های زنا به عنف در مطبوعات و در میان گروه‌های طرفدار حقوق زنان سازمان غیردولتی، متداول است. در کشور قرقیزستان زنا به عنف روزبه‌روز مادی‌تر می‌شود. در واقع به‌موجب آمارهای ارائه‌شده سالانه ۴۰۰ تا ۴۵۰ جرم علیه زنان روی می‌دهد. این کشور از نظر خشونت علیه زنان هرروز وضع بدتری پیدا می‌کند و هنوز هیچ‌گونه عزم جدی در مقامات این کشور برای مبارزه با وضعیت به چشم نمی‌خورد. در

^۱. www.hawzah.net

تاجیکستان، اذیت و آزار جنسی بسیار متداول است و بیش از نیمی از زنان این کشور آزار و اذیت جنسی شده‌اند که از این میان در حدود ۲۶ درصد آزار جنسی توسط مردان در خارج از خانه، ۱۶ درصد در وسایل نقلیه عمومی، ۸ درصد در محیط بازار و ۲ درصد در محیط کار صورت می‌گیرد. در کشور سودان، خشونت جنسی علیه زنان به صورت یک مشکل مطرح است. هم‌چنین در جنوب این کشور زنان آواره و پناهنده اذیت و آزار و قربانی تجاوز و سوءاستفاده‌ی جنسی می‌شوند.

وضع در برخی از کشورهای دیگر به مراتب وخیم‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود، در برخی از مناطق اتیوپی ربودن و تجاوز جنسی یک رسم است که برای به همسری درآوردن یک دختر از زور استفاده می‌شود. به نظر غیرمحمتمل می‌رسد که یک قربانی به میل خود با رباینده و متجاوز به خودش ازدواج کند. باین حال، به دلیل فشار اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها و اجتماع و نیز تهدید مجرم، آن دختر اغلب به ازدواج با متجاوز جنسی رضایت می‌دهد (ملک‌زاده، ۱۳۹۴). پیامدهای جرم شناختی ناشی از نقض حق کرامت بشری زنان در خشونت جنسی تا جایی است که برخی با تجزیه و تحلیل مباحث ناظر بر جنسیت، دیدگاه افراطیون اسلامی را در این خصوص طرد نموده و با طرح نوسازی اسلام، همبستگی جنسیتی را به‌عنوان برنامه‌ریزی برای آینده جهان اسلام مطرح می‌کنند (منشی پوری، ۱۳۸۳: ۵۳-۲۹). طرفداران حقوق بشر در ایران هم از منابع فرهنگی بومی بهره می‌گیرند تا بتوانند خود را با استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر هماهنگ سازند. به نظر آن‌ها اسلام با استانداردهای جهانی و وطنی حقوق بشر هماهنگ است. بر پایه این رویکرد بوده که جمهوری اسلامی ایران علیرغم تعارض با برخی بنیادهای حقوق بشر غربی توانسته است باورهای خانواده سنتی ایرانی در موضوع‌های مرتبط با حقوق زنان را تحت تاثیر قرار دهد (انگلهارت؛ فیلیپ؛ منشی پوری و ناتان، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴).

۲-۳- علت‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان و راهبردهای پیشگیری از آن

بزه دیدگی جنسی زنان در اکثر موارد از طریق رابطه جنسی غیرقانونی فراهم می‌گردد. این وضعیت از دو حالت خارج نیست: در حالت نخست، زن به رابطه جنسی اجبار، تهدید یا مغرور می‌شود. در حالت دوم، تمایل زن به برقراری رابطه با افراد ناشناس یا بودن در شرایطی که انگیزه کافی برای تجاوز بزهکاران ایجاد می‌کند، عامل قربانی شدن زن است. وضعیتی که باید از آن به نام بزه‌پذیری^۱ یاد کرد. این وضع در کشورهایی که روسپی‌گری در آن‌ها جرم به شمار می‌آید، عامل عمده خشونت جنسی علیه زنان به شمار می‌آید (السان، ۱۳۸۵: ۱۵۹). مداخله دولت در فرایند پیشگیری از بزه دیدگی جنسی زنان به مقتضای اصل کرامت بشری، غیرقابل‌انکار است. بی‌شک این مداخله نمی‌تواند بدون همکاری با نهادهای حامی حقوق زنان به وقوع بپیوندد. در

^۱. Admission Crime

جهت پیشگیری باید با انعکاس نتایج پژوهش‌های اجتماعی و روان‌شناختی در مورد بزه دیدگان جنسی، حقیقت امر برای افراد غیر مطلعی که آزادی جنسی بی‌حد و حصر را تأیید می‌نمایند، تبیین گردد (انسان، ۱۳۸۵: ۱۵۶). «بر اساس نتایج تحقیق صورت گرفته در سال ۱۳۸۳، در برخی موارد زنی که مورد تعرض قرار گرفته است، خود می‌تواند مقصر باشد» (دلاکوستا، ۱۳۸۳: ۲۳۵). لذا اگر این مسئله را بپذیریم که «گاهی خودزنان بزه دیده در بزه دیدگی خود نقش دارند، گامی مهم به سوی پیشگیری برداشته‌ایم» (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۳۵). هوتالینگ^۱ و سوگرمن^۲ در مطالعه‌ای به سال ۱۹۸۶، عوامل نگرشی و ماندن در کنار فرد مهاجم را عامل خشونت معرفی کرده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، زنان آزار دیده عامل وقوع خشونت را به خود نسبت می‌دهند و بیان می‌کنند با تغییر رفتار خود می‌توانستند از خشونت پیشگیری کنند (Hotaling & Sugarman, 1986). نیاز به کنترل (Stets, 1991)، نگرش‌های مردسالار و تائید اجتماعی خشونت هم از دیگر مواردی هستند که پژوهش‌گران از عوامل نگرشی وقوع خشونت زناشویی گزارش کرده‌اند (Dekeseredy & Kelly, 1993). لذا پژوهش‌ها نشان داده‌اند که باورها و نگرش‌های ناکارآمد به پالایش، پردازش و ارزیابی اشتباه امور زناشویی می‌انجامد و معمولاً ناپایداری و خشونت جنسی در روابط زناشویی را افزایش می‌دهد (Larson. & Holman, 1994).

جوامع اسلامی با در نظر گرفتن قوانین اسلامی و احکام شریعت تدابیر سه‌گانه‌ای را مدنظر قرار داده‌اند: در مرحله نخست تلاش دارد با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روان‌شناختی انسان، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی برخی غرایز جنسی بالا برد. مرحله دوم سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز نوعی عکس‌العمل تدافعی برای افراد در معرض خطر هست. مرحله آخر به‌عنوان آخرین راه، وضع تدابیر مناسب در مورد انواع جرائم مبتنی بر جنسیت و اوضاع و احوال مرتکب جرم درصدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است. درحالی‌که پیشگیری از خشونت جنسی بین‌المللی، مستلزم وضع و اجرای تدابیر داخلی و بین‌المللی است. در داخل کشورها، باید زمینه قاچاق، گردشگری و بهره‌کشی جنسی از بین برده شود. در این مهم تفاوتی میان کشورهای مبدأ، مقصد یا ترانزیت وجود ندارد. مطالعات نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل برای تن دادن به روسپی‌گری و خواسته‌های جنسی دیگران، ناتوانی مالی و اقتصادی است (Balos, 2004: 147).

۴-۲- جرائم مبتنی بر جنسیت در ایران و ضرورت جرم‌انگاری آن در روابط زناشویی

با نگاهی به قوانین مربوطه در کشورهای غربی می‌توان دریافت که برخلاف تصور رایج که

¹. Hotaling

². Sugarman

تجاوز توسط آشنایان را امری نادر می‌پندارند، معمولاً نیمی از تجاوزها توسط آشنایان صورت می‌پذیرد. حتی برخی تا رقمی ۸۸ درصدی را در مورد تجاوز نزدیکان گزارش کرده‌اند.^۱ این آمارها بدین معناست که هرچند نهادهای مسئول درگیر مبارزه و برخورد با مواردی از تجاوز هستند که در رسانه‌ها سروصدای زیادی برپا می‌کنند، لیکن رقم وحشتناکی از این جرائم در محل‌هایی حادث می‌شود که فکر کسی به آن نمی‌رسد و رسانه و پلیسی آنجا حضور ندارد و متأسفانه قربانی هم‌توان دفاع از خود را به دلایل مختلف ندارد. دختری را فرض کنید که توسط یکی از اعضای خانواده‌اش مورد اذیت و آزار جنسی قرار می‌گیرد؛ از آنجاکه متجاوزین آشنا معمولاً مجرمانی مُصر و سَمِج هستند، این افراد چه‌بسا سال‌ها از یکی از نزدیکان خود سوء‌استفاده کنند. در این حالت قربانی مقاومت درونی خود را به سبب تجاوزات مکرر از دست داده است. هم‌چنین از آنجاکه بعد از اولین تجاوز، سایر اعضای خانواده یا حتی مقام‌های مسئول را در جریان نگذاشته است. دیگر به دلیل ترس از دست رفتن آبرو، شهادت گزارش ظلمی که بر خود رفته است را نیز ندارد. حالا تصور کنید اگر فرد متجاوز پدر قربانی باشد؛ در این حالت چون پناهگاه فرزندان معمولاً پدرها هستند و کودکان در هر موردی که مظلوم واقع شوند به پدر پناه می‌برند، در صورت مورد تجاوز قرار گرفتن از سوی وی به دلیل این‌که دیگر کسی را ندارند که نزدش به تظلم بروند دچار آسیب‌های شدید روحی خواهند شد. نتایج تحقیقات بسیاری نشان داده است افرادی که از سوی آشنایان مورد تجاوز قرار می‌گیرند به نسبت افرادی که توسط غریبه‌ها مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، خیلی دیرتر می‌توانند به زندگی عادی بازگردند. چراکه اولی از حمایت اجتماعی برخوردار است، اما دومی ممکن است هیچ‌وقت جنایتی را که بر خویش رفته است نزد کسی بازگو نکند و بدین ترتیب یک‌عمر با عوارض روحی ناشی از تجاوز زندگی خواهد کرد. «تلقی عموم این است که اغلب این جنایت‌ها توسط فرودستان جامعه انجام می‌گیرد. مثلاً افرادی که تحت عنوان ارادل‌واوباش از آن‌ها نام‌برده می‌شود. امروزه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان جایگاه اجتماعی و ارتکاب بزه تجاوز وجود ندارد. چه‌بسا فرد متجاوز در لباس طبقه تحصیل‌کرده یا مرفه جامعه هم باشد. شاید از عللی که گمان می‌رود جمعیت متجاوزان را بیش‌تر ارادل‌واوباش تشکیل می‌دهند به پوشش رسانه‌های گسترده از جرائم آن‌ها بازگردد. لذا اصلاح وضعیت زنان و کودکان و حل مسائل و مشکلات آنان اگر با روشی مناسب و مبتنی بر الگوی دینی و بومی صورت پذیرد، دستاوردهای شگرفی برای جامعه در پیش خواهد داشت» (طاهری، ۱۳۸۸: ۷). از طرف دیگر، با توجه به دغدغه‌های قانون‌گذاری‌های اخیر که بیش‌تر در جهت سازمان‌دهی و شناسایی و مبارزه جدی با جرائم جنسی معمول است، مطالعات همه‌جانبه در مورد روش‌شناسی در جهت رسیدن به یک سیاست جنایی ویژه نسبت به این دسته از جرائم

^۱. www.pameganslaw.state.pa.us

به‌خصوص باهدف شناخت ماهوی، برای متولیان سیاست جنایی راهگشا خواهد بود. در خشونت‌های خانگی نیز، شفافیت رابطه زوجین، حل‌وفصل اختلافات با شیوه‌های متعارف، آگاه ساختن خانواده‌ها با حقوق بشر، حریم خصوصی و حدود رابطه زناشویی از بهترین راهکارهاست. متعاقب آگاهی، باید بر غیرقانونی و مستوجب کیفر بودن خشونت جنسی تأکید شود. محاکم نیز ضمن حفظ اسرار خانوادگی، با احقاق کامل حقوق از دست‌رفته بزه دیدگان و انتشار اخبار محرمانه این پرونده‌ها، زمینه را برای دادخواهی بزه دیدگانی که به خاطر مسائل عرفی، فرهنگی و اجتماعی از این کار اجتناب می‌ورزند، فراهم سازند (السان، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

مسئله اساسی این است که آیا عدم تمکین خاص در روابط زناشویی هم می‌بایستی جرم‌انگاری شود؟ برابر موازین شرعی و احکام قانونی زن جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد بایستی از برقراری رابطه جنسی با او سرباز نزند. البته این وظیفه ویژه زن نیست، چراکه شوهر نیز مکلف است در حدود متعارف رابطه جنسی باز نداشته باشد و در غیر این صورت برخلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده است. از این رو وظیفه برقراری رابطه جنسی از تکالیف مشترک به شمار می‌آید (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). با این وجود و با توجه به نص صریح ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی^۱ در باب اثر نشوز زن در استحقاق نفقه و با در نظر گرفتن مفهوم مخالف این ماده که اشعار می‌دارد: هرگاه زن باوجود مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه خواهد بود، می‌توان گفت که وجود عذر موجه مانند خوف بدنی یا مالی یا شرافتی امتناع زن را از تمکین خاص می‌تواند توجیه کند که این خود امکان دارد به‌صورت امتناع از زندگی مشترک، رابطه جنسی و یا همکاری در اداره امور خانواده نمود پیدا کند. کما این که این عذرهای موجه که تنها مصادیقی از معاذیر موجود هستند خود نمودی از خشونت‌های جنسی نیز می‌تواند تلقی شود. اگر زن مانع مشروع و عذر موجهی در عدم تمکین داشته باشد، مانند این که زن به علت خطری که از جانب شوهر متوجه او است، امکان دارد بر خواسته از خواسته‌های نامتعارف جنسی و روحی یا روانی باشد یا هنگامی که شوهر مبتلابه امراض مقاربتی است و زن از نزدیکی با او امتناع کند، این امتناع را نباید به‌عنوان نافرمانی قلمداد نمود. زیرا خشونت جنسی، در مفهوم عام خود دربرگیرنده تمامی حالت‌های به وجود آمده در روابط زناشویی هست که خود مستلزم اجبار، اکراه و ... است. اکثریت فقهای اسلامی نیز بر تمکین زوجه از زوج در حال حکم داده‌اند. شهید اول خروج از طاعت را نشوز می‌داند و معتقد است که «هرگاه علائم آن در زوجه برای شوهر پدیدار گردد، بدین صورت که برای شوهر، ترشروی کند و از نیازهای او سرپیچی نماید و یا در رفتار و گفتارش روشش را تغییر دهد، شوهر در ابتدا همسر خود را نصیحت می‌کند، سپس در صورتی که

۱. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

تأثیر نداشت هنگام خواب، پشتش را بر او برمی‌گرداند. سپس اگر بازهم تأثیری نمود بستر خود را از او جدا می‌کند و در ابتدای امر نباید او را بزند. ولی هرگاه بازهم در اطاعت شوهر خود در آنچه بر او اطاعت از آن واجب است امتناع نماید، شوهر او را طوری می‌زند که امید به بازگشت زن داشته باشد و نباید سخت بوده و منجر به خون‌ریزی گردد^۱. البته در مقابل چنین حکم سختی نسبت به زوجه، شهید اول در مورد حقوق زوجه نیز تنها به ممانعت از قسم و نفقه از جانب زوج اشاره کرده و بیان نموده است که زن حق مطالبه آن را دارد و حاکم می‌تواند زوج را به ادای حقوق زن ملزم نماید (جبعی عاملی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۸۶-۸۷). با این وجود مرحوم امام خمینی (ره) بعد از بیان فضیلت‌های تشکیل خانواده و زندگی زناشویی، می‌فرماید که سزاوار نیست که زن با مرد بداخلاق ازدواج نماید. زیرا بداخلاقی یکی از مصادیق خشونت جنسی علیه زنان در زندگی مشترک از طرف زوج هست. لذا ایشان در تعریف نشوز به شرط اطاعت متقابل زوجین از حقوقی که نسبت به دیگری واجب است و باید رعایت کنند بی‌توجه نبوده‌اند (موسوی خمینی، ج ۴، ۱۳۸۶).

بدیهی است با توجه به مفهوم خاص تمکین که همان ایفاء وظایف زناشویی زن در قبال شوهر خود هست، حسن تفاهم و توافق زن و شوهر در رعایت دغدغه‌ها و حساسیت‌های طرف مقابل است، نه به قیمت سلب آزادی‌ها و حقوق قانونی زن یا مرد. لذا زن در موارد ذیل لزومی بر تمکین ندارد^۱:

- ۱- رابطه جنسی که آسیب جسمانی برای زن به همراه داشته باشد.
 - ۲- درخواست شوهر مبنی بر رابطه جنسی زن با فردی غیر از شوهر اعم از مرد یا زن.
 - ۳- درخواست شوهر مبنی بر صحبت‌های جنسی و محرک جنسی زن با غیر شوهر از طرق مختلف.
 - ۴- درخواست رابطه جنسی مقعدی و عدم رضایت زن.
 - ۵- درخواست شوهر مبنی بر حضور فرد سوم اعم از زن و مرد در رابطه جنسی آن‌ها.
 - ۶- درخواست‌های جنسی مرد برگرفته از اختلالاتی نظیر سادیسم جنسی و ...
- چه‌بسا در این موارد مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی زوجه می‌تواند با مراجعه به حاکم و اثبات حالت عسر و حرج درخواست طلاق نماید. بنابراین زن می‌تواند بدون توجه به مبنای عسر و حرج و تنها با اثبات علت موجب سختی و تنگی، خود را از علقه زوجیت رها سازد. هرچند عدم توجه به مبنای عسر و حرج موجب شده است که این ویژگی مثبت ماده، منتج به سلیقه‌ای شدن کاربرد آن در محاکم خانواده گردد (اسدی، ۱۳۸۷: ۴۳). در کنار توجه به خشونت‌های جنسی اعمال شده از

^۱. www.tanzimekhanevadeh.com

طرف زوج بر زوجه، می‌توان بحث خشونت جنسی بر زوج را نیز مطرح نمود. معضل مردان بزه دیده خشونت شریک جنسی که می‌تواند یکی از خطرهای بزرگ علیه سلامتی در جوامع قلمداد گردد، با این حال در نظام حقوقی ایران این رفتار مجرمانه به دلایل فرهنگی و دینی جرم‌انگاری نشده است.^۱ البته از حیث قلمرو مفهومی، تجاوز جنسی زناشویی به برقراری رابطه جنسی بدون رضایت اطلاق می‌شود که در آن مرتکب، همسر قربانی است. مطابق مقررات جزایی انگلستان، جرم تجاوز به عنف عبارت از نزدیکی جنسی غیرقانونی است و هرگونه رابطه جنسی به که موجب قانون ممنوع تشخیص داده شود را دربرمی‌گیرد؛ لذا دامنه این جرم داخل در روابط و زن شوهر هم می‌شود و چنان چه عمل جنسی بین و زن شوهر نیز به عنف صورت گیرد، عمل مجرمانه تلقی می‌گردد (نوبهار، تهران، ۱۳۹۳، ۹۳). این در حالی است که در برخی کشورها تجاوز در مفهوم سنتی، به دخول جنسی با زنی گفته می‌شود که همسر شخص نیست و رضایت به این کار ندارد و اگر این کار به عنف و اکراه صورت گیرد، به موجب قوانین برخی کشورها از جمله ایران (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی) موجب قتل زانی اکراه کننده است (غدیری، ۱۳۹۳).

این نکته را باید افزود که تجاوز جنسی به همسر از تجاوز جنسی به غیرهمسر کاملاً متفاوت است. حس بی‌حرمتی زنی که شوهرش به عنف با او نزدیکی می‌کند را نمی‌توان با زنی که به عنف توسط یک غریبه مورد تجاوز قرار گرفته است، مقایسه نمود (الیوت و کوین، ۲۰۰۶: ۱۱۵). بنابراین تجاوز جنسی به همسر را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: هرگونه واقعه و رابطه جنسی ناخواسته اعم از اکراه، اعمال زور و یا رابطه زناشویی غیرطبیعی و نامتعارف (وطی دبر) و یا زمانی که زن رضایت به رابطه جنسی ندارد، صورت پذیرد.

بسیاری از مردم باور ندارند که امکان تعرض به مردان نیز وجود دارد. بیش‌تر، تعرض به همسر را با عناوینی هم چون خشونت خانگی، تعرض خانگی و خشونت شریک جنسی قلمداد می‌کنند که تنها مختص به زنان و کودکان هست. این در حالی است که هرچند مردان به اندازه زنان به عنوان بزه دیده خشونت خانگی متحمل تعرض نمی‌شوند، لیکن این اتفاق برای مردان بیش‌تر از آنچه که مردم تصور می‌کنند رخ می‌دهد. تقریباً ۳۵ درصد از بزه دیدگان خشونت شریک جنسی مردان هستند. اما زنانی که به آن‌ها تعرض می‌شود، ۹ بار بیش‌تر از مردان این موضوع را به پلیس و ۵ بار بیش‌تر به دوستان یا خویشاوندانشان گزارش می‌کنند (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶۰). یافته‌های تحقیق اشتراوس و جلس (۱۹۹۰) در ایالات متحده آمریکا بر پایه دو

۱. در برخی از کشورها مثل ایالات متحده آمریکا این نوع خشونت را نوعی از خشونت خانگی زنان علیه مردان یا مردان علیه مردان (هم‌جنس‌گرایان مرد)، می‌دانند.

تحقیق بزرگ ملی انحصاراً در مورد خشونت در خانه، نخست این نکته را آشکار می‌سازد که بزه دیدگان مرد به‌اندازه بزه دیدگان زن است و دوم این که مردان بیش‌تر از زنان در معرض این احتمال قرار دارند که از سوی شریک زندگی خود، مورد خشونت جدی واقع شوند (مگوایر، ج ۳، ۱۳۹۳: ۱۲۳۶).

جرائم مبتنی بر جنسیت به‌عنوان رأس یک مثلث حساس که سایر جزایم جنسی را در زیرمجموعه خود دارا است، دارای پایه‌هایی نیز هست مانند خشونت مبتنی بر جنسیت که به‌عنوان زیرمجموعه اصلی این جرائم که باعث ارتکاب و ایجاد انگیزه در بزهکاران این قسم از جرائم می‌گردد، به دلیلی عدم وجود قوانین مناسب و نگاه گاهاً جنسیتی قانون‌گذار ایران به افراد جامعه در تدوین قوانین، باعث به وجود آمدن این نوع از جرائم و خشونت‌های جنسیتی در تمامی شئون آن شده است. زیرا این حالت در افراد جامعه و صدها بزهکاران بالقوه و هم‌چنین در برخی مواقع در بزهکاران اتفاقی، با توجه به دید تبعیض‌آمیز قانون‌گذار به جنسی خاص که گاهاً به خاطر تفاسیر نادرست از احکام شرعی و عدم تطبیق نامناسب این احکام با وضعیت روز می‌گردد موجب بروز و تشدید برخوردهای جنسیتی از نوع جرم در معنی عام آن می‌شود.

در ایران، میزان پذیرش خشونت جنسی در زندگی زناشویی، بسیار قوی است و معمولاً زنان از آن پرده برنمی‌دارند؛ زیرا تحمل این نوع خشونت، عادت شده است و آن را طبیعی می‌انگارند. از این‌رو، از طرح موضوع نیز احساس شرم می‌کنند. رویه معمول دادگاه‌ها و آیین رسیدگی به شکایت زنان، ممکن است کار بسیار دشوار شاکی را در طی دادرسی برای اثبات جرم، تشدید کند. زمان طولانی وقفه میان وقوع حادثه و رسیدگی، فقدان اطلاعات درباره مراحل دعوی و محل تقریبی مجرم و طرز رفتار پلیس، کارکنان قضایی و دیگر اشخاصی که شاکی با آن‌ها سروکار دارد نیز به وخامت اوضاع کمک می‌کند (مولاوودی، ۱۳۷۷: ۵۳). بر این اساس طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل یازده برنامه توسعه چهارم قوه قضائیه موظف بوده است لایحه حمایت از بزه دیدگان اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افزون بر تحلیل علمی بزه‌کاری و مجرمیت، مجرم یا بزه‌کار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند. اقدام مهم دیگر در این خصوص حمایت از بزه دیدگان است. بزه دیده در شرایط مختلفی قرار می‌گیرد: در یک حالت، تا شناسایی مجرم و بزه‌کاری، هیچ‌گونه حمایتی از او صورت نمی‌گیرد و پیامد این بزه‌کاری می‌تواند آسیب‌های جدی اجتماعی و اقتصادی به او وارد سازد. در حالت دیگر، در صورت شناسایی مجرم یا بزه‌کار، رسیدگی و تحلیل پرونده مدت‌ها طول کشیده و بزه دیده هم چنان با مشکلات درگیر می‌شود و در حالت سوم و اعمال محکومیت مجرم، در بیش‌تر

موارد، جبران خسارت بزه دیده به شکل مطلوب انجام نمی‌شود.^۱ شورای عالی توسعه قضائی هم باهدف اصلاح قوانین مربوط به حوزه زنان در کمیته «حمایت از بزه دیدگان» به شناسایی مشکلات زنان بزه دیده، به‌ویژه بزه دیدگان جرائم جنسی در فرایند کیفری و تهیه و تدوین قانون حمایت از بزه دیدگان پرداخته است. به‌علاوه کمیته «پیشگیری از جرم» هم در حال تهیه و تدوین برنامه‌های پیشگیری از جرم است که یکی از بحث‌های مهم آن پیشگیری از جرائم علیه اطفال و زنان و برنامه‌هایی در جهت افزایش آگاهی‌های زنان نسبت به اتخاذ تدابیر پیشگیرنده از جرم و بزه دیدگی است.^۲ مهم‌تر این که با لازم‌الاجرا شدن قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۲۱، این تدابیر حمایتی پیش‌گیرانه جنبه الزامی به خود گرفته است. البته نمی‌توان فقط مصادیق ذکرشده را برای جرائم مبتنی بر جنسیت کافی دانست. زیرا وجود قوانین تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه می‌تواند خود یکی از ارکان گمشده مثلث ما باشد. به‌نحوی که در حقوق ایران به‌طور مثال وجود متفاوت بودن سن مسئولیت کیفری در دختران و پسران، موکول بودن اجرای قصاص مردی که عمداً زنی را به قتل رسانیده به پرداخت معادل نصف دیه کامل به قاتل، نصف بودن دیه زن نسبت به مرد، قتل در فراش، مقررات متفاوت در فسخ نکاح، طلاق، ارث اموال غیرمنقول، شهادت و قضاوت و ... خود موجب به وجود آمدن جرائم مبتنی بر جنسیت در حالت کلی خواهد شد (مهرپور، ۱۳۸۹: ۵).

۳- یافته‌های تحقیق

به گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر^۳ در سال ۲۰۱۱، در بسیاری از کشورها زنان متأهل نمی‌توانند روابط جنسی و زناشویی با همسر خود را رد کنند. این نهاد حقوق بشری در تازه‌ترین گزارش خود در سال ۲۰۱۹ هم بر امحاء تمام اشکال تبعیض جنسیتی علیه زنان بر اساس کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان تأکید نموده است. ایران از جمله کشورهایی است که در آنچه در زمینه فرهنگ‌سازی و چه در حوزه قانون‌گذاری و حمایتی به دلیل همکاری ضعیف بین نهادهای دخیل در امر آشنایی و فرهنگ‌سازی میان زوجین اقدامات چشمگیری انجام نشده است. با این وجود اقدام‌های برنامه توسعه چهارم قوه قضائیه و کمیته پیشگیری از جرم در تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم در سال‌های اخیر توانسته تا حدودی از کاستی‌ها و خلأهای موجود بکاهد.

۱. برنامه جامع و عملیاتی پنج‌ساله دوم توسعه قضایی (۱۳۸۳-۱۳۷۸).

۲. گزارش عملکرد قوه قضائیه در حمایت از حقوق زنان در چهارصد و هشتاد و نهمین جلسه شورای زنان به مناسبت هفته قوه

قضائیه (۱۳۸۳)، واحد خبر مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۳. United Nations High Commissioner for Human Rights.

با انکار خشونت‌های جنسی و نادیده گرفتن آن نمی‌توان این مورد را از بین برد. قطعاً بسیاری از زنان ایرانی هستند که این نوع خشونت را تجربه کرده و در نبود قوانین حمایتی چاره‌ای جز کتمان مسئله ندارند.

با این که فقهای متقدم و متأخر با احکام استنباطی خود که ملهم از فقه پویای امامیه است، در زمینه تمکین و نشوز دیدگاهی بسته نسبت به زنان دارند، با این وجود به شناخت حقوق و تکالیف متقابل زوجین نسبت به یکدیگر توجه نموده‌اند.

تحقیقات فقهی و حقوقی بیش‌تر در پی کشف حقایق مربوط به خشونت جنسی علیه زوجه در محیط خانه بوده است و مقنن ایرانی سهواً چشم بر این نوع از واقعیت بسته است. حال آن‌که نمی‌توان بروز خشونت زوجه علیه زوج را نیز نادیده گرفت.

تا زمان تصویب قانونی دال بر منع و پیشگیری از خشونت جنسی ناظر بر روابط زوجین در ایران، ضرورت دارد که حداقل مجازات تجاوز به عنف نسبت به متجاوزان در روابط زناشویی نیز تسری یابد.

با فرض تصویب قوانین حمایتی بایستی توجه داشت که، بزه دیدگان به خاطر معاذیری هم چون اجبار، تهدید یا اضطراب اقتصادی از این مجازات در امان باشند. هر چند تأکید بر نظریه‌های کنترل اجتماعی و یادآوری پیشینه فرهنگی، قومی و بومی در سلامت جنسی، شیوه مطلوبی برای اجتناب از خشونت جنسی در روابط زناشویی است.

واقعیت این است که دامنه ارتکاب جرائم مبتنی بر جنسیت بسیار گسترده‌تر از اندک مواردی است که در رسانه‌ها منعکس می‌شوند. تجاوز و خشونت جنسی از حاشیه شهرها و خیابان‌ها گرفته تا داخل منازل مسکونی اتفاق می‌افتد. در هر صورت این طبیعی است که رقم بالایی از تجاوزهای صورت گرفته کشف نشود. علت این امر نیز در بسیاری از موارد ترس بزه دیده از رفتن آبروش و در معرض قضاوت نادرست قرار گرفتن از جانب اطرافیان است.

نتیجه‌گیری

در قانون مجازات اسلامی سخنی از جرائم مبتنی بر جنسیت و به‌طور مثال تجاوز شوهر به همسر نیامده است و مجازاتی هم برای چنین عملی در نظر گرفته نشده است. اما قانون مدنی راهی دیگر در پیش گرفته و تمکین را از وظایف زن دانسته است. تمکین در معنای خاص آن انجام وظایف زناشویی از طرف زن است. یعنی هر وقت شوهر اراده کرد، زن بایستی نیازهای جنسی وی را، حتی برخلاف میل باطنی خودش برآورده کند. در چنین مواقعی مشکلات روحی منجر به مقاومت جسمی هم می‌شود، امری که موجب بروز و یا تشدید خشونت‌های جسمی، جنسی، روحی و کلامی توسط شوهر می‌شود. آسیمی که به زن در این نوع از خشونت وارد می‌شود بسیار جدی است. در واقع تجربه خشونت توأم با تجاوز که زیرمجموعه جرائم مبتنی بر جنسیت تلقی

می‌شود از طرف شوهر بسیار رنج‌آور است. در این مورد شوهر قدرت، نفوذ فردی، اجتماعی و روانی خود را به کار می‌گیرد تا با همسرش که به هر دلیلی راضی به برقراری رابطه جنسی (از هر نوع آنچه به صورت دخول و چه به صورت معاشقه) نزدیکی کند. پس در حالت کلی می‌توان گفت اگر ما از زیرمجموعه جرائم مبتنی بر جنسیت خشونت را ملاک قرار دهیم، نسبت به زنان سه نوع خشونت خانگی، اجتماعی و جنسی می‌توان تصور نمود. به نظر می‌رسد توجه دولت‌ها در عرصه بین‌المللی بر جنبه حقوق بشری حمایت از قربانیان این گونه از جرائم می‌تواند راهی برای روشنگری و ارائه راهکارهای منطقی بر اساس شرایط مدنظر جوامع گوناگون باشد. کما این که با توجه به متون قرآنی و آموزه‌های فقهی، حمایت و صیانت از کرامت بانوان غیرقابل انکار است. لذا ظاهر بر این است که با تدقیق پیرامون مشکلات پیدا و پنهان در زمینه وقوع این نوع از جرائم، شایسته است که همگام و در کنار اسناد حقوق بشری بین‌المللی حمایتی با نگاهی بر عرف جامعه ایرانی که مشتمل بر آموزه‌های دینی ناب هست، نسبت به شناخت مسائل فوق و صیانت از کرامت و حقوق حقه بزه دیدگان خشونت جنسی در روابط زناشویی اقدام گردد. بدین‌سان، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بر پایه آموزه‌های فقهی و در جهت هم‌سویی با اسناد بین‌المللی حقوق بشری، جرم‌انگاری جرائم جنسی در روابط زناشویی ضرورتی انکارناپذیر است، این رویکرد حقوق بشری به زنان با منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۱/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی هم‌سازگار است. چراکه این منشور به‌عنوان یک سند مرجع در عرصه سیاست‌گذاری در امور فرهنگی و اجتماعی، به‌منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان، کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط را مکلف نموده است برحسب وظایف دستگاهی و سازمانی در سیاست‌گذاری، اتخاذ تدابیر قانونی و برنامه‌ریزی راجع به زنان، اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند.

از این‌رو، راهکارهای ذیل برای تحقق این امر پیشنهاد می‌گردد: شروع تحقیقات میدانی مؤثر توسط نهادهای مسئول در جهت ورود به مرحله قانون‌گذاری؛ ایجاد خانه‌های امن و تأسیس واحدهای مشاوره اختصاصی؛ اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی جامعه؛ شفاف‌سازی زمینه‌ها و عوامل ارتکاب این جرائم توسط اصحاب رسانه؛ شناسایی و تعریف خشونت‌های خانگی به‌طور عام از طرف قانونگذار.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، گزارش کارگروه بزه‌دیدگی، نتایج کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده، زیر نظر نسرین مهرا، تهران: نشر سلسبیل.

- ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۶۷)، *النهايه في غريب الحديث و الاثر*، قم: چاپ اسماعیلیان.
- اخگری بناب، نادر (۱۳۸۸)، «جرم‌انگاری خشونت جنسی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق اسلامی (فقه و حقوق)*، ۶ (۲۳)، صص ۲۱۸-۱۹۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «سقط جنین در بارداری ناشی از زنا به عنف»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، (۳۹)، بهار و تابستان، صص ۱۶۲-۱۳۳.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۷)، «نقدی بر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و ارائه راهکارهای اجرایی آن»، *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۱۳ (۲۸)، بهار و تابستان، صص ۶۲-۴۳.
- اعظم‌زاده، منصوره و راضیه دهقان‌فرد (۱۳۸۵)، «خشونت علیه زنان در تهران: رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۴ (۱-۲)، بهار و تابستان، صص ۱۷۹-۱۵۹.
- امیرخانی، فهیمه (۱۳۷۹)، «زنان بزه دیده در دو نظام ایران و انگلستان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ ه.ق)، *مناسب*، ج ۳، بیروت: موسسه النعمان.
- انگلهارت، نیل، کاویتا فیلیپ، محمود منشی‌پوری و اندرو ناتان (۱۳۸۷)، *تکوین حقوق بشر در عصر جهانی شدن*، ترجمه مهدی ذاکریان، چاپ ۱، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بن جمیل زینو، محمد (۱۳۸۲)، *اسلام و بزرگداشت زن*، ترجمه محمد گل گمشادزهی، چاپ اول، زاهدان: نشر حریمین.
- بیگی، جمال (۱۳۸۸)، *بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- بیگی، جمال و الناز کتانچی (۱۳۹۷)، «رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی به خسارت معنوی قربانیان تعرضات جنسی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۵ (۲)، صص ۴۲-۲۱، پاییز.
- جیبی عاملی، محمد بن جمال‌الدین مکی (شهید اول) (۱۳۷۴)، *لمعه دمشقیه*، ترجمه علی شیروانی، ج ۲، تهران: نشر دارالفکر، چاپ سوم.
- جورکویه، علی محمد (۱۳۸۹)، «سیاست جنایی اسلام در جرائم جنسی»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۷ (۲۴)، صص ۱۲۲-۸۷.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی و محمد یوسفی (۱۳۸۲)، «بررسی مبنای ضرر در جرم‌انگاری تجاوز جنسی با رویکردی بر فقه امامیه»، *فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۴ (۲)، پاییز و زمستان، صص ۶۶-۳۵.
- حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق)، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، قم: نشر طه آل‌البتیت.
- خاک، روناک (۱۳۸۷)، «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌المللی کیفری»، *فصلنامه حقوقی بین‌المللی*، ۲۵ (۳۹)، پاییز و زمستان، صص ۱۴۶-۱۰۱.

- دلاکوستا، پیتو (۱۳۸۳)، *گزارش کارگروه بزه دیدگی، نتایج کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده*، زیر نظر نسرین مهرا، تهران: نشر سلسبیل.
- راسل، برتراند (۱۳۷۴)، *زناشویی و اخلاق*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر اندیشه.
- رضازاده، رجعلی (۱۳۹۳)، *درس خارج فقه، کتاب النکاح*، قابل دسترسی در سایت <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/Mashhad>
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و یاسر ندرپور (۱۳۹۵)، «رابطه بین مردسالاری و خشونت خانگی علیه زنان در شهر کوه‌دشت»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۶۰)، تابستان، صص ۸۶-۶۱.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، «جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵ (۲۱)، تابستان، صص ۱۶۴-۱۴۱.
- صفایی، سیدحسین و اسداله امامی (۱۳۹۰)، *مختصر حقوق خانواده*، تهران: نشر میزان، چاپ ۲۸.
- طاهری، علیرضا (۱۳۸۸)، *تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (۱)*، تهران: سازمان دفاع از قربانیان خشونت.
- غدیری، محمد (۱۳۹۳)، «حق بر زندگی خانوادگی از منظر حقوق بشر»، *رساله دکتری تخصصی رشته حقوق بین‌الملل*، دانشگاه شهید بهشتی.
- قاضی‌زاده، هادی، کیانوش زهراکار، علیرضا کیامنش، فرشاد محسن‌زاده (۱۳۹۶)، «مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز خشونت زناشویی مردان علیه زنان از دیدگاه مردان»، *فصلنامه زن و جامعه*، ۸ (۳)، پاییز، صص ۱۶۲-۱۳۵.
- قبله‌ای‌خویی، خلیل (۱۳۸۴)، *آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)*، تهران: نشر سمت.
- قدسی، ابراهیم و مصیب قدمی‌عزیزآباد (۱۳۹۸)، «تأملی نوین پیرامون حق مقابله با خشونت جنسی علیه زنان (بر مبنای نظام حقوقی - قضایی ایران)»، *فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق بشری*، ۱۷، صص ۱۴۶-۱۱۷، پاییز.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۷)، *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان، چاپ چهارم.
- گزارش عملکرد قوه قضائیه در حمایت از حقوق زنان در چهارصد و هشتاد و نهمین جلسه شورای زنان به مناسبت هفته قوه قضائیه (۱۳۸۳)، واحد خبر مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و یوسف مدنی (۱۳۸۹)، «گرایش شوهران به خشونت علیه همسران: مطالعه موردی شهر شیراز»، *فصلنامه زن و جامعه*، ۱ (۱)، بهار، صص ۲۴-۱.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۴)، *ترجمه فارسی شرایع الاسلام*، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم بن

- احمد یزدی، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- محمدخانی، پروانه، هدیه و شکوفه متقی (۱۳۸۹)، «رابطه خشونت جنسی و نگرش های زناشویی و همراهی انواع خشونت در روابط زناشویی»، *فصلنامه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۶ (۳)، پاییز، صص ۲۰۲-۱۹۵.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: نشر معین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، *برگزیده تفسیر نمونه*، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
- مگوایر، مایک و همکاران (۱۳۹۳)، *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*، ج ۳، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان.
- ملک‌زاده، محمود (۱۳۹۸)، «سقط‌جنین ناشی از زنا»، در: www.norouzilawyer.ir
- منشی پوری، محمود (۱۳۸۳)، «جهان اسلام، جهانی شدن و حقوق زنان»، در کتاب: *مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی*، تدوین و گردآوری مهدی ذاکریان، تهران: نشر میزان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵)، *تحریر الوسیله*، ج ۱، تهران: نشر وزارت ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، *تحریر الوسیله*، ج ۴، تهران: نشر وزارت ارشاد اسلامی.
- مولوردی، شهین‌دخت (۱۳۷۷)، «خشونت علیه زنان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، *مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی*، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، تهران: نشر اطلاعات.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۹)، *نقد و بررسی قوانین موضوعه تأثیرگذار بر خشونت علیه زنان*، مجموعه مقالات تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (۱)، تهران: سازمان دفاع از قربانیان خشونت.
- میرکمالی، سیدعلیرضا (۱۳۹۶)، «مبانی فقهی - حقوقی جرم‌انگاری تجاوز زناشویی»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳ (۵۱)، پاییز، صص ۳۸۹-۴۰۵.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۸)، «حقوق جزای بین‌الملل و خشونت علیه زنان: لزوم هماهنگی مقررات داخلی با سیر تحولات»، *مجموعه مقالات تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (۱)*، تهران: سازمان دفاع از قربانیان خشونت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۰)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: نشر گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و همکاران (۱۳۹۳)، *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، تهران: نشر میزان.
- نوبهاری طهرانی، علیرضا (۱۳۹۳)، *تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان*، تهران: مجد.

- Balos, Beverly (2004), "The Wrong Way to Equality: Privileging Consent in the Trafficking of Women for Sexual Exploitation", *Harvard Women's Law Journal*, Vol. 27, pp. 139-151.
- Dekeseredy, WS & KD Kelly (1993), "The Incidence & Prevalence of Woman Abuse in Canadian University & College Dating Relationships", *Canadian Journal of Sociology*, Vol. 18, pp.137-159.
- Hotaling, GT & DB Sugarman (1986), "An Analysis of Risk Markers in Husband to Wife Violence: The Current State of Knowledge", *Journal of Violence & Victims*, Vol. 1, pp. 101-124.
- <http://bahejab.com/12103>.
- <http://iranmens.ir/tag>.
- Larson, JH. & TB Holman (1994), "Premarital Predictors of Marital Quality and Stability", *Journal of Family Relations*, Vol. 43, pp. 228-237.
- Staff, Council (1996), *National Research*, New York: Rouladge.
- Stets, JE (1991), "Psychological Aggression in Dating Relationships: The Role of Interpersonal Control", *Journal of Family Violence*, Vol. 6, pp. 97-114.

Archive of SID